

قهوه‌خانه به عنوان یک نهاد

○ منیژه مقصودی

○ استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران



○ قهوه‌خانه‌های ایران
○ علی بلوکباشی
○ دفتر پژوهش‌های فرهنگی
○ ۱۳۷۵

کنار هم قرار می‌گیرند تا بتوانند بیانگر دو اصل مهم پرورشی در جامعه قدیم ایران باشند یعنی پرورش تن و دیگری پرورش جان و روان.

کتاب زورخانه و قهوه‌خانه را به عنوان دو نهاد پیوسته و نزدیک به هم در راه تقویت روحیه‌ی ملی و مذهبی مردم در جامعه بررسی می‌کند. «فضای زورخانه و قهوه‌خانه هر دو از هوای عطرآگین و نیروبخش خصلت‌های پهلوانی و سلحشوری و رفتارها و اخلاق جوانمردی و ایثارگری آکنده بوده است. در و دیوار ساختمان زورخانه و قهوه‌خانه با نقش و نگارهایی از پیکره پهلوانان اساطیری و حماسی و ملی و مذهبی و صورت شاهان افسانه‌ای و تاریخی و پهلوانان و جوانمردان جامعه پوشانده می‌شد.» ارتباط زورخانه و قهوه‌خانه از ورای مقایسه سردم‌نشین زورخانه و نقال‌خانه چنین عنوان شده است که «سردم‌نشین زورخانه مرشدی بود که پیمانه‌های شعرش را از چشمه فیاض شاهنامه و مهرشاه مردان امیر مومنان پر می‌کرد و به پهلوانان می‌نوشانید و نقال قهوه‌خانه نیز مرشدی بود که حلقه نشینان مشتاق را با آب پاک زلال همین چشمه‌های زایا یعنی داستان‌های حماسی ملی و دینی شست و شو می‌داد.» (ص ۹) چنین مقایسه‌ای با رویکردی ساختارگرا ممکن می‌شود. بر این اساس بررسی تطبیقی نقش سردم‌نشین زورخانه و نقال در

قهوه‌خانه‌ها معمول شد. لکن نام قهوه‌خانه‌ها برجای ماند. (ص ۸)

نخست قهوه‌خانه‌ها در مرکز شریان زندگی شرقی (ایرانی) ظاهر شدند و از این نظر با امکان مهم زندگی شهری در ایران تفاوتی ندارند. ظهور قهوه‌خانه‌ها ابتدا در بازارها و کنار مجموعه‌ای از واحدهای صنفی مهم مانند نانواپی، قصابی، بقالی، سبزی‌فروشی، حمام و... بود که با هم بازارچهای در هر محله شهر شکل می‌دادند رفته رفته با پذیرش جامعه، این مکان در هر خیابان و محله شهر و در محل‌های تجمع پیشه‌ها و کارگاه‌های صنعتی ظاهر شد و به صورت بخش مهمی از زندگی فرهنگی و تفریحی و محل دیدار و ارتباط مردم درآمد.

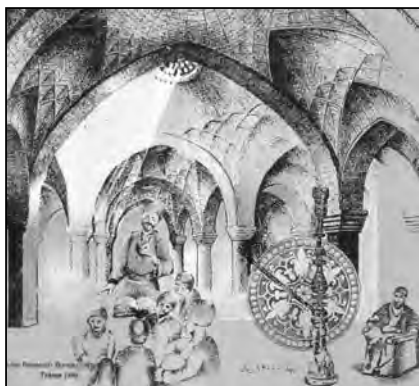
نویسنده با اشاره به حیات چهارصد ساله قهوه‌خانه‌ها در طول تاریخ ایران، فضاهای قهوه‌خانه‌ها را با در نظر گرفتن طبقات گوناگون در دوره‌های مختلف به خوبی شرح می‌دهد و در نهایت اشاره می‌کند که چگونه قهوه‌خانه به صورت یک واحد صنفی فعال در جامعه شهری ظاهر می‌شود. در این تحقیق قهوه‌خانه‌ها همچون نهادی در نظر گرفته می‌شوند که دارای کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مشخص‌اند. از ظرافت‌ها و نکته‌سنجی‌های کتاب قهوه‌خانه‌های ایران در کنار هم قرار دادن قهوه‌خانه و زورخانه است. این دو نهاد با دقت و ظرافت خاصی در

این کتاب اولین شماره از مجموعه پژوهش‌های مردم‌شناسی تحت عنوان فرهنگ و مردم (۱) می‌باشد که با پیشگفتاری پرمحتوا آغاز می‌شود و در یازده بخش تنظیم شده است. با توجه به ویژگی و گرایش مردم‌شناختی این پژوهش، محقق برای عرضی بهتر موضوع و سندیت کار از عکس و تصویر نیز استفاده می‌کند. کتاب از ورای ۱۷۴ تصویر، چگونگی پیدایش قهوه‌خانه و نیز فرایند شکل‌گیری و گسترش آن در ایران را از چهار قرن گذشته تا به امروز نشان می‌دهد.

پیشگفتار کتاب به تاریخ اجتماعی - فرهنگی قهوه‌خانه و کارکرد این نهاد اجتماعی اشاره می‌کند و به بحث منظری تاریخی - فرهنگی می‌دهد. این بحث از آن روی درخور اهمیت است که نه تنها بخش مهمی از فرهنگ خوراک یعنی نوع، آداب و چگونگی مصرف آشامیدنی‌های مهم را مورد مطالعه قرار می‌دهد، بلکه مناسبات، و ساختار فرهنگی - اجتماعی مرتبط با این پدیده را نیز آشکار می‌سازد. کتاب نخستین قهوه‌خانه‌ها در ایران را متعلق به دوره‌ی صفویه می‌داند. درباره ورود چای به ایران و جایگزینی آن با قهوه. محقق معتقد است که با کشت این گیاه در مناطق شمالی ایران و ذائقه‌پذیر شدن طعم چای دم کرده، کم‌کم جای قهوه را در قهوه‌خانه‌ها گرفت و از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری نوشیدن چای در



از نظر نویسندگان قهوه‌خانه‌ها تا چند دهه گذشته ابزار ارتباطی قوی و تعیین کننده‌ای برای انتقال فرهنگ در ایران به شمار می‌آیند



این کتاب با توجه به فقدان پژوهش مردم شناختی درباره فرهنگ قهوه‌خانه‌ها در ایران، کاستی مهمی را در زمینه‌ی تحقیقات مردم شناختی پر نموده است

مقایسه‌ی نهادهای فرهنگی جامعه سنتی و (قهوه‌خانه با نهاد زورخانه) نام برد. این مقایسه از ورای تصاویر متعدد پیوند دو نهاد را چنان طراحی می‌کند که ارتباط آنها به طور کامل آشکار می‌شود، گویی هریک از آن دو نیمی از آن تصویر کامل را ارائه می‌دهند. قهوه‌خانه و زورخانه در کنار هم تصویر کاملی از جامعه‌ی سنتی و فرهنگ آن را به ما نشان می‌دهند.

بخش‌های متعدد کتاب به خوبی در کنار هم قرار می‌گیرند. بحث از ملموس‌ترین پدیده‌ها شروع می‌شود و به تدریج به ویژگی‌های خاص قهوه‌خانه اشاره می‌شود. در بخش معماری به کمک تصاویر سعی شده تا ویژگی‌های معماری ساختمان قهوه‌خانه‌ها در ایران از زمان پیدایش آن نشان داده شود. نگاه محقق در قدم بعدی دقیق‌تر شده و به ریزه‌کاری‌ها و یا به عبارتی به آرایه‌بندی نما اشاره می‌کند. در این بخش مباحثی از قبیل آجرکاری، کاشیکاری و دیوارنگارها با تصاویر متعدد نشان داده شده است. این بخش به ویژه از آن روی درخور اهمیت است که پیدایی فرهنگ مادی را که با فرهنگ معنوی برآمده از قهوه‌خانه مرتبط است، نشان می‌دهد.

بخش‌های دیگر کتاب به قهوه‌خانه‌های قدیم درون شهری و نیز بیرون شهری با آوردن عکس‌های

نقاشی (هنر تجسمی) نقش عمده و تعیین کننده‌ای داشته و عامل تربیت و پرورش هنرمندان بزرگی می‌شود. در عین حال کارکرد مهم دیگر قهوه‌خانه آشنا نمودن مردم با میراث فرهنگی و ادبی ایران است. بدین ترتیب قهوه‌خانه‌ها تا چند دهه گذشته ابزار ارتباطی قوی و تعیین کننده‌ای برای انتقال فرهنگ در ایران به شمار می‌آیند. با تغییر و تحولات شتابان جامعه صنعتی و گسترش و تحولات عظیم وسائل ارتباط جمعی و دگرگونی ارزش‌ها این نهاد فرهنگی - اجتماعی به تدریج ارزش و اعتبار گذشته خود را از دست می‌دهد و قهوه‌خانه به صورت یک واحد بی‌هویت درمی‌آید و تهی و خالی از باور اجتماعی - فرهنگی و سنت‌های عظیم گذشته می‌شود. نویسندگان کتاب معتقد است که در زمان ما قهوه‌خانه رشته‌های پیوند فرهنگی خود را با گذشته و سنت‌های گوناگون گسسته است. و کارکردهای مهم خود در زمینه‌ی انتقال فرهنگ و هنر کهن را از کف داده است. یعنی دیگر شاهنامه خوانان و نقالان شیرین سخن، قصه‌گویان و سخنوران خوش قریحه شعردان و نقاشان چیره دست نقش‌پرداز از این مدرسه و مکتب بیرون رانده شده‌اند. به این ترتیب قهوه‌خانه‌ها از هویت فرهنگی خود تهی شده‌اند.

از ویژگی‌های بسیار مهم کتاب تقسیم‌بندی موضوعی آن است و در کنار این ویژگی مثبت باید از

قهوه‌خانه، و بهره‌مندی هر دوی آنها از ادبیات شاهنامه‌ای و دینی و ارتباط فضای مزبور با اخلاق پهلوانی و جوانمردی در ایران موید این نظر است.

بر این اساس می‌توان گفت که نگاه و گویش زورخانه‌کاران و قهوه‌خانه‌نشینان به پدیده‌ای مشترک بوده است. هر دو قشر با تصاویر پهلوانان تاریخی - اساطیری و دینی مانوس می‌شدند و نیز هر دو قشر همواره از بیان سلحشوری‌ها و جنگ‌ها و خصوصاً مردانگی‌های این پهلوانان حماسه‌ساز سیراب می‌گشتند. در واقع قهوه‌خانه و زورخانه بر مبنای یک نظرگاه کارکردی - ساختی هر دو نقشی واحد را ایفا می‌کنند و دو روی یک سکه‌اند.

«شماری از نقالان و شاهنامه خوانان و سخنوران و غزل‌خوانان قهوه‌خانه‌ها وابسته به سلسله‌های فقر و درویشی و شماری از آنان از پهلوانان گود زورخانه در جامعه سنتی ایران همسو با هم در راه آموزش مبنای اخلاق پهلوانی و خصلت‌های جوانمردی به مردم گام می‌سپرده‌اند.» (ص ۱۰)

در ادامه بحث به نقش مهم قهوه‌خانه به عنوان یک نهاد اجتماعی - فرهنگی در تحول و دگرگونی جامعه ایران اشاره می‌شود. نهاد مهمی که با ظهور هنرهایی خاص توأم است قهوه‌خانه نهادی است که در شکل‌گیری دو مکتب مهم از هنرهای کلامی و تجسمی یعنی نقالی و سخنوری (هنر کلامی) و

جالی از قهوه خانه و اسباب قهوه‌خانه می‌پردازد. اسباب قهوه‌خانه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اسباب و اشیای کاربردی ۲- اسباب و اشیای تزئینی. هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها همراه با تصاویر و توضیحات دقیق نشان داده شده است. بخش مربوط به اشیای کاربردی خود به پنج زیر مجموعه تقسیم می‌شود. از جمله: ۱- اسباب نشیمن ۲- اسباب سماور و چای ۳- اسباب ناهار ۴- اسباب دود و دم ۵- اسباب روشنایی. مباحث ۴ و ۵ و ۶ به افرادی که در قهوه خانه کار می‌کنند به تفکیک نوع تخصص اشاره می‌دارد.

بخش چهارم کتاب اختصاص به قهوه چپگری دارد. قهوه‌چپگری به عنوان یکی از شغل‌های رسمی و شناخته شده در جامعه از لحاظ نوع قهوه‌خانه به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱- قهوه چپان قهوه‌خانه‌های عمومی در شهرها و جاده‌های شهری ۲- قهوه‌چپان قهوه‌خانه‌ها یا آبدارخانه‌های خصوصی دربار و خانه‌های بزرگان و اعیان شهر ۳- قهوه چپان آبدارخانه‌های موقت در مجالس عزاداری و روضه‌خوانی و در جشن‌های عروسی و میهمانی‌ها و تجمعات سیاسی ۴- قهوه‌چپان سیار یا دوره گرد. درباره هریک از تقسیمات چهارگانه به کمک تصاویر و نقاشی به وظایف هر گروه اشاره می‌شود.

یکی از مصارف بسیار مهمی که در قهوه‌خانه نیز جایی گرانسنگ را دارد، قلیان کشی است و از این روی کتاب در فصل پنجم به این موضوع به شکلی عمده می‌پردازد و اهمیت آن را یادآور می‌شود. مصرف قلیان آنچنان اهمیت پیدا کرد که شغلی مهم بر مبنای آن به وجود آمد:

«قلیان چاقکن‌ها یا قلیان دارها معمولاً پایگاه و منصبی همسنگ و برابر با قهوه‌چپان در جامعه به دست آورده بودند.» (ص ۷۵) قلیانچی‌های ماهر و سالخورده را به جهت پیش کسوتی خلیفه نیز می‌نامیدند. نویسنده اضافه می‌کند که قلیاندارها نیز خود دارای زیر دستانی بودند که فرمان آنها را اجرا می‌کردند. دم دست هر یک از این قلیانچی‌باشی‌ها یک آتش بیار یا منقلدار هم کار می‌کرد. وظیفه آتش بیار آتش بردن برای قلیانکش‌ها بود. آتش بیار با منقل کوچک پر از اخگرش در میان مردم می‌گشت و با گذاشتن چند گل آتش روی سرک قلیان‌های قلیانکشان نمی‌گذاشت تا آتش قلیانشان خاموش شود و از دود بیفتد.

این پیشه با توجه به حوزه‌های عمومی و خصوصی جامعه و اماکن و فصل‌های مصرف به اشکال مختلفی درآمد و در مجموع به چهار دسته تقسیم می‌شد: ۱- قلیاندارهای خصوصی ۲- قلیاندارهای قهوه‌خانه ۳- قلیاندارهای سیار یا دوره گرد ۴- قلیاندارهای حمام.

قهوه‌خانه ادبیات وسیعی را نیز در جامعه‌ی ایرانی شکل داد و از این روی مبحث ششم به نقالی



نویسنده زورخانه و قهوه‌خانه را

به عنوان دو نهاد پیوسته

ونزدیک به هم در راه

تقویت روحیه ملی و

مذهبی مردم نام می‌برد

در این تحقیق قهوه‌خانه هم

چون نهادی در نظر گرفته می‌شود

که دارای کارکردهای اجتماعی و

فرهنگی مشخص است

اختصاص دارد. این بخش پس از شرحی از ویژگی‌های نقالی داستان‌گزاران و قصه‌گویان قهوه‌خانه‌ها آنها را بر حسب نوع داستان‌هایی که بیان می‌کردند و نیز مهارت و ظرافتی که در بیان داستان‌ها داشتند به سه گروه تقسیم می‌کند: ۱- داستانسرایان و قصه‌گویان داستان‌های حماسی شاهنامه ۲- قصه‌گویان داستان‌های تاریخی - افسانه‌ای مانند اسکندرنامه ۳- داستانسرایان حماسه‌ها و واقعه‌های تاریخی - افسانه‌ای و دینی مذهبی مانند حمزه نامه. هر یک از این سه نوع خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. آن دسته که متن را روخوانی می‌کردند و دسته دیگر که با کمک حافظه متن را می‌خواندند. مبحث دیگر این بخش اختصاص به نقالان دوره‌ی کنونی دارد. این قسمت به کمک تصاویری از اساتید نقال و زیرنویسی‌های مفصل ارائه شده است. مبحث هفتم به نقاشی در قهوه‌خانه اختصاص یافته است. این مبحث به دو بخش عمده زیر تقسیم می‌شود.

نقاشی‌های مذهبی و نقاشی‌های غیر مذهبی یا رزمی و بزمی علاوه بر آن به شرح جامع و کاملی از چهار نقاش معروف متخصص در این زمینه اشاره می‌شود: ۱- حسین قوللرآقاسی ۲- محمد مدبر ۳- عباس بلوکی فر ۴- حسن اسماعیل‌زاده. این بخش مملو از عکس‌های رنگی از نقاشان معروف نامبرده است.

فصل هشتم اختصاص به لوپیان دارد که آنها را بر حسب کاری که انجام می‌دادند به سه دسته معروف تقسیم می‌کند از جمله: ۱- تقلیدچپان و مسخرگان ۲- مطربان ۳- حیوان رقصان‌ها. در این مبحث به شرح هریک از این سه دسته پرداخته و به کمک عکس‌های متعدد آنها را بازگو می‌کند. بخش نهم به پهلوانان اختصاص دارد. این مبحث با اشاره به پیوند قهوه‌خانه و زورخانه چنین شروع می‌شود: از قدیم پیوند نیرومندی میان قهوه‌خانه و زورخانه از یک سو و قهوه‌خانه روها و پهلوانان و باستانی‌کاران زورخانه از سوی دیگر بوده است. برخی از قهوه‌چپان قدیم خود از زورخانه کاران و کشتی‌گیران بودند.

مبحث پهلوانان در دو بخش ارائه شده است: ۱- پهلوانان کشتی باستانی (در این مبحث به چهار تن از پیش کسوتان برجسته و بنام اشاره می‌شود. ۲- پهلوانان ویلان خوشنام محله. عکسی از پهلوانان و لوپیان خوشنام محله‌های تهران قدیم زینت بخش این قسمت است.

مبحث دهم به معرفی قهوه‌خانه‌های کنونی تهران اختصاص دارد. این بخش حکایت از تحول عظیم قهوه‌خانه‌ها دارد که به گفته نویسنده به سمت بی هویتی کشیده می‌شوند در این قسمت کوشش شده به کمک تصویری از قهوه‌خانه‌های باقی مانده تصویری از قهوه‌خانه‌های سنتی گذشته ارائه شود. بدین منظور به چهار قهوه‌خانه همراه با توضیحات و تصاویر متعدد اشاره شده است. از جمله: ۱- قهوه‌خانه معمارنژاد ۲- قهوه‌خانه قاسم گوسفندی ۳- قهوه‌خانه حسین مهدی ۴- قهوه‌خانه اختیاریه.

بخش یازدهم به بازسازی و احیای قهوه‌خانه‌های سنتی اختصاص یافته است. این بخش به کوششهایی که برای بازسازی قهوه‌خانه‌های سنتی در اصفهان و خرم‌آباد و تهران به عمل آمده اشاره می‌شود و قهوه‌خانه‌های بازسازی شده از جمله چاپخانه خرم‌آباد، قهوه‌خانه دیزی و قهوه‌خانه آذری به تفصیل و همراه با تصاویر متعدد معرفی می‌گردد.

کتاب قهوه‌خانه‌های ایران دارای کتابشناسی غنی و پرباری است که جهت تحقیقات آینده بسیار معتنم است. این کتاب با توجه به خلا پژوهش‌های مردم‌شناختی درباره فرهنگ قهوه‌خانه‌ها در ایران کاستی مهمی را در زمینه‌ی تحقیقات انسان‌شناسی پرنموده است و آن را باید نمونه‌ی خوبی از یک پژوهش انسان‌شناسی بر روی نهادهای ریشه‌دار جامعه ایرانی دانست.